

لوح احمد (فارسی)

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



لوح احمد (فارسی) - حضرت بهاء الله - مجموعه الواح مبارکه، چاپ مصر، صفحه ۳۱۵ -

۳۲۹

﴿ باسم ربنا العلیّ الأعلیٰ ﴾

اینست بدایع نصایح الهی که بلسان قدرت در مکن عظمت و مقعد قدس رفعت خود میفرماید * پس بگوش جان بشنوید و خود را از اصغای نصایح محبوب محروم و ممنوع ننمائید * ای مؤمن مهاجر عطش و ظماً غفلت را از سلسبیل قدس عنایت تسکین ده و شام تیره بعد را بصبح منیر قرب منور گردان بیت محبت باقی را بظلم شهوت فانی و خراب مکن و جمال غلام روحانی را بحجبات تیره نفسانی مپوش تقوای خالص پیشه کن و از ما سوی الله اندیشه منما * و معین قلب منیر را بنخاشاک حرص و هوی مسدود مکن * و چشمه جاریه دل را از جریان باز مدار بحق متمسک شو و بحبل عنایت او متوسل باش * چه که دون او احدی را از فقر بغنا نرساند و از ذلت نفس نجات نبخشد * ای عباد اگر از بحور غنای مستوره احدیه مطلع شوید از کون و امکان هر دو غنی و بی نیاز گردید نار طلب در جان بر افروزید تا بمطلب رفیع منبع که مقام قرب و لقای جانان است فائز گردید *

ای احمد از اجر متموجه ملتطمه مستوره خود را منع مکن * و از صراط واضحه مستقیمه محروم مباش چشم را منیر کن * و بنور لائح روشن نما تا بسینای مبارکه طیبه که محل ضیاء و استضای سنای الهیه است وارد شوی و بتجلیات انوار لا نهاییه منور گردی و ندای جانفزای انظر ترانی از مشرق بیان سبحانی من غیر تعطیل بشنوی * جمال غیب در هیکل ظهور میفرماید ای احمد نفعه از عرف گلستان قدس روحانیم بر عالم هستی وزیده و جمیع موجودات را بطراز قدس صمدانی مزین فرموده * و رشی از طمطمایم عنایت بر عالمیان مبذول گشته و جمیع را سر مست از این باده قدس است از عدم محض فانی بعرصه وجود باقی کشیده * ای احمد دیده را پاک و مقدس نما تا تجلیات انوار لا نهاییات از جمیع جهات ملاحظه نمائی و گوش را از آرایش تقلید منزّه کن تا نعمات عندلیب وحدت و توحید را از افنان باقی انسانی بشنوی * ای احمد چشم ودیعه من است او را بغبار نفس و هوی تیره مکن * و گوش مظهر جود من است او را باعراض مشتهیه نفسیه از اصغای کلمه جامعه باز مدار * قلب خزینه من است لثالیء مکنونه آنرا بنفس سارقه و هوس خائن مسپار * دست علامت عنایت من است آنرا از اخذ الواح مستوره محفوظه محروم منما * بگو ای عباد فیض رحمت بی متهمیم از سماء مکرمت بی ابتدایم چون غیث هاطل در نزول و جریان است با دیده مقدس و گوش منزّه و استقامت تمام باین رحمت



ORIGINAL



AUDIO

سبحانی و فیض رحمانی بشتابید * بگو ای بنده گان من بتحدید نفس و تقلید هوا خود را مقید و مقلد مسازید * چه که مثل تقلید مثل سراب بقیعه در وادی مهلکه است که لم یزل تشنگان را سیراب نموده و لایزال سقایه نخواهد نمود * از سراب فانی چشم بر داشته بزلال سلسال لا زوال بی مثال در آئید * لؤلؤ قدرت ربّانی را از لؤلؤ مصنوعی فرق دهید و تمیز گذارید چه که مصنوعی آن بملاقات آب فانی و معدوم شود و قدرتی آن بملاقات آب صافی و منیر گردد * پس جهد بلیغ و سعی منبع نمائید تا لؤلؤ قدس صمدانیرا من دون اشاره بدست آرید و آن معرفت مظهر نفس من بوده و خواهد بود و لم یزل بآب عنایت من زنده و حیّ و باقی خواهد بود * ای بنده گان من جمال قدم میفرماید که از ظلّ هوی و بعد و غفلت بظلّ بقا و قرب و رحمت بشتابید و چون ارض تسلیم شوید تا ریاحین معطره ملونه مقدسه عرفانم از ارض وجود انبات نماید * و چون نار مشتعل شوید تا حجات غلیظه را محترق نمائید و اجساد مبروده محجوبه را از حرارت حبّ الهی زنده و باقی دارید * و چون هوی لطیف شوید تا در مکن قدس ولایم در آئید * ای بنده گان من از مدینه و همیه ظنیّه بقوه توکل بیرون آمده بمدینه محکمه مشیده یقین وارد شوید * و در جمیع احوال از رحمت واسعه و عنایت محیطه مأیوس مباشید که همه هیاکل موجودات را محض جود و کرم از نیستی محض بملک هستی آوردم بی طلب عنایت فرمودم و بی سؤال اجابت فرمودم و بی استعداد منتهای فضل وجود را مبذول داشتم * جمیع شما اشجار رضوان قدس منید که بدست مرحمت خود در ارض مبارکه غرس فرمودم و بنیسان رحمت بی زوال خود تربیت نمودم و از حوادث کونیه و خطرات ملکیه بملائکه حفظ فرمودم حال از مغرس و حافظ و مربی خود غفلت ننمائید و دون او را بر او مقدم و مرّج مدارید که مبادا اریاح سمویه عقیمیه بر شما مرور نماید و جمیع را از اوراق بدیعه و اثمار جنیه و افنان منیعه و اغصان لطیفه محروم نماید * کلمات حکمت را از لسان ظهور قلم شنو * که پسر مریم فرمودم که هر مالک بوستانی شجره یابسه را در بوستان باقی نگذارد و البته او را قطع نموده بنار افکند چه که حطب یابس در خور و لایق نار است * پس ای اشجار رضوان قدس عنایت من خود را از سموم انفس خبیثه و اریاح عقیمه که معاشرت بمشکین و غافلین است حفظ نمائید تا اشجار وجود از جود معبود از نفحات قدسیه و روحات انسیه محروم نگردد و لا زال در رضوان قدس احدیه جدید و خرم ماند * ای بنده گان بنیان مصر ایقان حضرت سبحان را بنقر وهم و ظنون منهدم نکنید چه که ظن لم یزل مغنی نبوده و لایزال نفسی را بصراط مستقیم هادی نگشته ای عباد ید قدرت مبسوطه ممدوده مرتفعه سلطنتم را مغلول فرض گرفته آید * و رحمت منزله مسبوقه غیر مقطوعه ام را مقطوع داشته آید * و سخاب مرتفعه متعالیه جود و کرم را ممنوع و غیر مهطول فرض نموده آید آیا بدایع قدرت سلطان احدیتم مفقود شده و یا نفوذ مشیت و احاطه اراده ام از عالمیان ممنوع گشته اگر نه چنین دانسته آید چرا جمال عزّ قدس احدیتم را از ظهور منع نموده آید و مظهر ذات عزّ ابها را از ظهور در سماء قدس ابقا ممنوع داشته آید * اگر چشم انصاف بگشائید جمیع حقایق ممکاترا از این باده جدید بدیعه سرمست بینید و جمیع ذرات اشیا را از اشراق انوارش مشرق و منور خواهید یافت * فبئس ما أنتم ظنونم و ساء ما أنتم تظنون * ای بنده گان بمبدأ خود رجوع نمائید و از غفلت نفس و هوی بر آمده قصد سینای روح در این طور مقدّس از ستر و ظهور نمائید * کلهه مبارکه جامعه اولیه را تبدیل نمائید و از مقررّ عزّ تقدیس و قدس تجرید منحرف مدارید * بگو ای عباد غافل اگر چه بدایع رحمت جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات جود و فضل بر تمام ذرات ممکات سبقت گرفته و لکن سیاط عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم بغایت عظیم * نصایح مشفقهام را بگوش مقدّس از کبر و هوی بشنوید و بچشم سرّ و سرّ در بدیع امرم ملاحظه نمائید * از امواج بحر رحمت که جمیع أبحر لا نهایه قطره ایست نزد او محروم مشوید و از معین قدس عذب فرات سائتم خود را ممنوع مسازید * قسم بذات غیم که اگر اقل از ذره بشعور آید بسینه بسینای روح بشتابید و بعین خود بمعین قدسیه منوره واضحه وارد گردید و نداء روح القدس را از

سدره ناطقه در صدر منیر بشنود و غفلت منمائید * ای احمد از تقیید تقلید بروضه قدس تجرید و فردوس عترّ توحید
 بخرام * بگو ای عباد باب رحتم را که بر وجه اهل آسمانها و زمین گشودم بدست ظلم و اعراض مبندید و سدره مرتفعه
 عنایتم را بجور و اعتساف قطع منمائید * براستی میفرمایم قلب مخزن جواهر ممتنعه ثمینه من است محلّ خزف فانیه دنیای
 دنیّه مکنید * و صدر محلّ انبات سنبلات حبّ منست او را بغبار تیره بغضا میالائید * بصفا تمّصف شوید تا قابل ورود
 ملکوت عترّ شوید و در جبروت قدسم درائید * جمیع اشیا کتاب مبین و صحف محکم قویم مند بدایع حکمت لدنیم را
 بچشم طاهر مقدّس و قلب نورانی منزّه مشاهده نمائید * ای بنده گان من آنچه از حکم بالغه و کلم طیبه جامعه که در
 الواح قدسیّه احدیه نازل فرمودم مقصود ارتقای انفس مستعده است بسماوات عترّ احدیه و الاّ جالم مقدّس از نظر
 عارفین است و اجلام منزّه از ادراک بالغین * در شمس مشرقه منوره مضیئه ملاحظه نمائید که اگر جمیع عباد از بصیر و
 اعمی چه در منتهای وصف مبالغه نمایند و یا در دون آن منتهای جهد مبذول دارند این دو رتبه از اثبات و نفی و اقبال و
 اعراض و مدح و ذمّ جمیع در امکانه حدودیه بخود مقبل و معرض راجع بوده و خواهد بود * و شمس در مقرّ خود
 بکمال نور و اعطای فیض و ضیای خود من دون تغییر و تبدیل مشرق بوده و خواهد بود * و همچنین در سراج مضیئه در
 لیل مظلمه که در محضر شما روشن است مشاهده نمائید آیا آنچه از بدایع اوصاف منیعه و یا جوامع صفات ذمیمه در حق
 او ذکر شود هیچ بر نور او بیفزاید و یا از ضیاء او بکاهد لا فوالذی نفسی بیده بلکه در این دو حالت مذکوره او بیک
 قسم افاضه نور مینماید و این مدح و ذم بقائلین راجع بوده و خواهد بود چنانچه مشهود ملاحظه میشود حال ای عباد از
 سراج قدس منیر صمدانی که در مشکاة عترّ ربّانی مشتعل و مضیء است خود را ممنوع نمائید و سراج حبّ الهی را بدهن
 هدایت در مشکاة استقامت در صدر منیر خود بر افروزید و بزجاج توکل و انقطاع از ما سوی الله از هبوب انفس
 مشرکین حفظش نمائید * ای بنده گان مثل ظهور قدس احدیتم مثل بحر است که در قعر و عمق آن لثالی لطیفه منیره
 ازید از احصا مستور باشد و هر طالبی البتّه باید کمر جهد و طلب بسته بشاطی ان بحر در آید تا قسمت مقدّره در الواح
 محتومه مکنونه را علی قدر طلبه و جهده اخذ نماید * حال اگر احدی بشاطی قدسش قدم نگذارد و در طلب او قیام نماید
 هیچ از آن بحر و لثالی آن کم شود و یا نقصی بر او وارد آید * فبئس ما توهمتم فی انفسکم و ساء ما اتمتم توهّمون * ای بنده
 گان تالله الحقّ آن بحر اعظم لّجی و مواج بسی نزدیک و قریب است بلکه اقرب از جبل ورید * بآنی بان فیض صمدانی و
 فضل سبحانی وجود رحمانی و کرم عترّ ابهائی واصل شوید و فائز گردید * ای بنده گان اگر از بدایع جود و فضل که در
 نفس شما ودیعه گذاردهام مطّلع شوید البتّه از جمیع جهات منقطع شده بمعرفت نفس خود که نفس معرفت من است
 پی برید و از دون من خود را مستغنی بینید * و طمطماع عنایت و وقمقام مکرمتم را در خود بچشم ظاهر و باطن چون شمس
 مشرقه از اسم ابهتیّه ظاهر و مشهود بینید * این مقام أمنع اقدس را بمشتهیات ظنون و هوی و افکیات وهم و عمی ضایع
 مگذارید مثل شما مثل طبری است که بأجنحه منیعه در کمال روح و ریحان در هواهای خوش سبحان با نهایت اطمینان
 طیران نماید و بعد بگان دانه بآب و گل ارض میل نماید و بحرص تمام خود را بآب و تراب بیالاید و بعد که اراده
 صعود نماید خود را عاجز و مقهور مشاهده نماید چه که اجنحه آوده بآب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود * در
 این وقت آن طایر سماء عالیّه خود را ساکن ارض فانیه بیند * حال ای عباد پرهای خود را بطین غفلت و ظنون و تراب
 غلّ و بغضاء میالائید تا از طیران در آسمانهای قدس عرفان محروم و ممنوع نمائید * ای عباد لثالی صدف بحر صمدانی را از
 کنز علم و حکمت ربّانی بقوه یزدانی و قدرت روحانی بیرون آوردم و حوریات غرف ستر و حجابرا در مظاهر این کلمات
 محکمات محشور نمودم و ختم اناء مسک احدیه را بید القدره مفتوح نمودم و رواج قدس مکنونه آنرا بر جمیع ممکات مبذول
 داشتم * حال مع جمیع این فیوضات منیعه محیطه و این عنایات مشرقه لمیعه اگر خود را منع نمائید ملامت آن بر انفس شما

راجع بوده و خواهد بود * ای اهل بیان ایوم مقصود از آفرینش و خلق خود را دانسته چه که جواهر جبال مرتفعه الهیه اید و لثالی أبحر فضل أحدیه * و دون شما از آنچه در سماوات و أرض مشهود است در ظلّ شما محشور و بالتبع مرزوق و متنعمند * مثلاً ملاحظه در أرض طیبه منبته نمائید که مقصود زارع از سقایه زرع خود است و بسا حجر صلبه که در آن کشت و زرع بالتبع مشروب میشوند * پس مقصود از نزول فیض میاض مزارع اجبای او بوده که محلّ انبات نبات علم و حکمتند و من دون آن از اعداء و غافلین که احجار متروکه ارضند بالتبع برشحات فضلیه و قطرات سخایه مرزوق و مشروبند * ای اهل بیان با جمیع اینراتب عالی و مقامات متعالی از خود غفلت مجوئید و از حقّ عزلت مگیرید و از مراقبت امر الله در جمیع احوال غافل مشوید و جهد نمائید که کلمات الهی را بدون آن قیاس نمائید * ای بنده گان اگر صاحب بصیرد بمدینه بینایان وارد شوید * و اگر اهل سمعید بشهر سامعین قدم گذارید * و اگر صاحب قلبید بخصن موقنین محلّ گزینید تا از مشاهده انوار جمال ابهتیه در این ایام مظهره محبوب نمائید * چه که این سنه سنه تحیص کبری و فتنه عظمی است * ای عباد و صایای روح را با قلم تسلیم و مداد اذعان و ایقان بر لوح صدر خود مرقوم دارید و در هر آن توجه بان نموده که مبادا از حرفی از آن تغافل نمائید و بجدّ تمام اقبال بحقّ جسته و از دون آن اعراض نموده که اینست اصل ورقه امریه منبته از شجره الهیه * ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح بقا و تکلم نمینماید مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما * پس متابعت نفس نمائید و عهد الله را مشکند و نقض میثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجه نمائید و نباشید از بیخردان * دنیا نمایشی است بی حقیقت و نیستی است بصورت هستی آراسته دل باو مبندید و از پروردگار خود مگسلید و مباحث از غفلت کننده گان براستی میگویم که مثل دنیا مثل سرایست که بصورت آب نماید و صاحبان عطش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون باو رسند بی بهره و بی نصیب مانند و یا صورت معشوقیکه از جان و روح عاری مانده و عاشق چون بدو رسد لا یسمن و لا یغنی مشاهده نماید و جز تعب زیاد و حسرت حاصلی نیابد * ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جبروت قضاء واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البتّه بجمیع آنها رسیده فایز گردید * اگر قیص فانی را بقمیص باقی تبدیل نمائید و بمقام جنت ابهتیه که مقرر خلود ارواح عزّ قدسیه است وارد شوید * جمیع اشیا دلیل بر هستی شما است اگر از غبار تیره نیستی بدرائید * از زحمت ایام معدوده دل تنگ مباحثید و از خرابی تن ظاهر در سبیل محبوب محزون مشوید چه که بعد هر خرابی عمارتی منظور گشته و در هر زحمتی نعیم راحت مستور * ای بنده گان سلسبیل عذب صمدانی را از معین مقدسه صافیه طلب نمائید و اثمار منیعه جنت احدیه را از سدره مغرسه الهیه اخذ کنید * چه که در وادی جز یابس تسنیم خوش تسلیم و کوثر قدس تکریم بدست نیاید * و از شجره یابسه ثمره لطیفه منیعه ملحوظ نگردد * ای طالبان باده روحانی جمال قدس نورانی در فاران قدس صمدانی از شجره روحانی بی حجاب لن ترانی میفرماید * چشم دل و جان را محروم نمائید و بحلّ ظهور اشراق انوار جمالش بشتابید * کذلک ینصحکم لسان الله لعلّ انتم الی شطر الروح تقصدون *